



عَلَيْهِ السَّلَام  
هانا فاطمة الزهراء

آه و فغان تا عالم لاهوت دیدم  
در نیمه شب بر شانه هاتا تابوت دیدم

## گدای فاطمه بودن

علی اکبر لطیفیان

وقتی گدای فاطمه بودن برای ماست احساس میکنیم که دو عالم گدای ماست

با گریه بهر فاطمه آدم عزیز است این گریه خانه نیست که دولت سرای ماست

اینجا به ما حسین حسین وحی میشود پیغمبریم و مجلس زهرا حرای ماست

سلمان شدن نتیجه همسایگی اوست زهرا برای سیر کمال ولای ماست

تنها وسیله ای که نخش هم شفاعت است چادر نماز مادر ارباب های ماست

باران به خاطر نوه ی فضا میرسد ما خادمیم و ابر کرم در دعای ماست

فرموده اند داخل آتش نمیشویم فردا اگر شفاعت زهرا برای ماست

## هلال لاله

رضا جعفری

جایی برای کوثر و زمزم درست کن  
اسماء برای فاطمه مرهم درست کن

تابوت کوچکی که بمیرم درون آن  
با چند تخته چوب برایم درست کن

تا داغ این شقایق زخمی نهان شود  
تابوتی از لطافت شبنم درست کن

مثل شروع زندگی مرتضی و من  
بی زرق و برق و ساده و محکم درست کن

از جنس هیزمی که در خانه سوخت، نه  
از چند چوب و تخته محرم درست کن

طوری که هیچ خون نچکد از کناره اش  
مثل هلال لاله کمی خم درست کن

## شرط پیمبری

علی اکبر لطیفیان

زهرا همان کسی است که بیت محقرش  
طعنه زده به عرش و تمامی گوهرش

او را خدا برای خودش آفریده است  
تا اینکه هر سحر بنشیند برابرش

شرط پیمبری به پسر داشتن که نیست  
مردی پیمبر است که زهراست دخترش

مانند احترام خداوند واجب است  
حفظ مقام فاطمه حتی به همسرش

یک نیمه اش نبوت و نیمش ولایت است  
حالا علی صد اش کنم یا پیمبرش

دست توسل همه ی انبیا بود  
بر رشته های چادری صبح محشرش

ما بچه های فاطمه ممنون فضا ایم  
از اینکه وا نشد پس در پای دخترش





## کشتی پهلو گرفته

بی تاب شد و چیزی نمانده بود که من فرو بریزم و زمین از هم بپاشد و کائنات سقوط کند.

تنها یک چیز، آفرینش را بر جا نگاه داشت و آن تکیه علی بود بر عمود خیمه خلقت، ستون خانه تو.

علی سرش را گذاشته بود بر دیوار خانه تو و زار زار می گریست.

این اگر چه اوج بی تابی علی بود اما به آفرینش، آرامش بخشید و کائنات را استقرار داد.

چه شبی بود دیشب! سنگینی بار مصیبت دیشب تا آخرین لحظه حیات، بر پشت من سنگینی می کند. همچنانکه این قهر بزرگوارانه تو کمر تاریخ را می شکند.

از علی خواستی - مظلومانه و متواضعانه - که ترا شبانه دفن کند و مقبره ات را از چشم همگان مخفی بدارد.

می خواستی به دشمنانت بگویی دود این آتش ظلمی که شما برافروخته اید نه فقط به چشم شما که به چشم تاریخ می رود و انسانیت، تا روز حشر از مزار دُرْدانه خدا، محروم می ماند. چه سند مظلومیت جاودانه ای! و چه انتقام کریمانه ای!

دل من به راستی خنک شد وقتی که صبح، دشمنان تو با چهل قبر مشابه در بقیع مواجه شدند و نتوانستند بفهمند که مدفن دختر پیامبر کجاست.

من شاهد بودم که در زمان حیاتت آمدند برای دغلكاری و نیرنگ بازی اما تو مجال ندادی و آنها باقی مکر و سیاست را گذاشته بودند برای بعد از وفات و تو آن نقشه را هم نقش بر آب کردی.

اما همیشه خشک و تر با هم می سوزند، مؤمنان و مریدان آینده تو نیز اشک حسرت خواهند ریخت، گم کرده خواهند داشت و در فراق مزار تو خواهند گداخت.

چهل قبر مشابه! چهل قبر همسان! و انسانها بعضی واله و سرگشته، برخی متعجب و حیران، عده ای مغبون و شکست خورده، گروهی از خشم و غضب، کف به لب آورده و معدودی از خواب پریده و هشیار شده.

منبع: کشتی پهلو گرفته "سید مهدی شجاعی"

از ابتدای خلقتم چشم انتظار آمدنت بودم. خدا مرا که می آفرید و زمین و خورشید و ماه و بر و بحر را، اعلام کرد که آفرینش شما، آفرینش همه چیز به طفیلی آفرینش پنج تن است که محور آن پنج تن زهرا است.

یا مَلَائِكَتِي وَ سَكَانَ سَمَاوَاتِي اَعْلَمُوا اَنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مُّبِينِيهِ وَلَا اَرْضًا مُدْحِيَتِيهِ وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيئِيهِ وَلَا فَلَكَآ يَدُوْرًا وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَآ يَسْرِي اِلَّا فِي مَحَبَّتِي هُوْلَاءِ الْخُمْسَةِ.

اگر به خاطر اینها نبود من دست به کار خلقت نمی شدم، آفرینش را رقم نمی زدم، بر اندام عدم لباس هستی نمی پوشاندم.

اگر به خاطر این پنج تن نبود، آفرینش به تکوینش نمی ارزید.

این پنج تن عبارتند از فاطمه و پدر او، فاطمه و شوی او و فاطمه و پسران او. نه تنها من آسمان، که خورشید و ماه نیز، که ستارگان و افلاک نیز، که بر و بحر نیز چشم انتظار آمدنت بودند.

همه غرق این سؤال و مات این کنجکاوای بودیم که این فاطمه کیست که اینقدر عزیز خداوند است و حتی حساب و کتاب خداوند بسته به شاهین محبت و رضایت اوست.

وقتی آدم از بهشت قرب رانده شد و به زمین فراق هبوط کرد، شما تنها وسیله نجات او شدید و نامهای شما، اسماء حسناى سوگند نامه او. و ما بیش از پیش قدر و منزلت شما را در پیش خداوند دریافتیم و به همان میزان متحیرتر و مبهورتر شدیم در شکوه و عظمت وجود شما.

وقتی نوح در پس آن وانفسای طوفان و سیل، با استعانت از نام شما بر خشکی فرود آمد همه یکصدا گفتیم رازی است به سنگینی خلقت و رمزی به پیچیدگی آفرینش در این نامهای مبارک، اما چه راز و رمزی؟!

این انتظار، قرن به قرن، سال به سال، ماه به ماه، روز به روز و لحظه به لحظه گسترش یافت و در بستر آن، سؤالی غریب شروع به رشد و نمو کرد تا آنجا که این سؤال و انتظار پا به پای هم، دست به کار سوزاندن جان و مچاله کردن دل شدند.

دیشب که علی تو را غسل می داد وقتی اشکهای جانسوز او را دیدم، وقتی ضجه های حسن و حسین را شنیدم، وقتی مو پریشان کردن و صورت خراشیدن زینب و ام کلثوم را دیدم دیگر تاب نیاوردم، نه من، که کائنات



## در کلام مقام معظم رهبری

فرشته نجات انسانها در طول تاریخ است. برای همین هم هست که ائمه (علیهم‌السلام) این قدر برای آن بزرگوار تکریم و حرمت قائلند و نسبت به او اظهار خشوع می‌کنند. هیچ مقامی از این بالاتر وجود دارد؟ دیدار مداحان آل الله به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (س)،  
۱۳۷۷/۰۷/۱۹

اگر شخصیت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها برای ذهنهای ساده و چشمهای نزدیک‌بین ما آشکار می‌شد، ما هم تصدیق می‌کردیم که فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها سرور همه زنان عالم است؛ بانویی که در سنین کم و در عمر کوتاه، به مقامات معنوی و علمی و معرفتی و به مرتبه‌ای برسد که برابر مرتبه انبیا و اولیاست. در واقع فاطمه زهرا فجر درخشانی است که از گریبان او، خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است؛ آسمان بلند و رفیعی است که در آغوش آن، ستاره‌های فروزان ولایت قرار گرفته است. همه ائمه علیهم‌السلام برای مادر بزرگوار خود تکریم و تجلیلی قائل بودند که برای کمتر کسی این همه احترام و تجلیل را از آن بزرگواران می‌شود دید. بیانات مقام معظم رهبری در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰

فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبری "سلام الله علیها"، بزرگترین بانوی تاریخ بشر، افتخار اسلام، افتخار این دین و افتخار این امت است. مقام فاطمه‌ی زهرا "سلام الله علیها" از جمله‌ی آن مقاماتی است که تصور آن برای انسانهای معمولی، انسانهای متعارف - امثال ماها - یا ممکن نیست، یا دشوار است؛ معصوم است دیگر. ائمه‌ی هدی "علیهم‌السلام" نام مبارک فاطمه‌ی زهرا را با عظمت و با تجلیل می‌بردند؛ از معارف صحیفه‌ی فاطمی نقل می‌کردند؛ اینها چیزهای بسیار عظیمی است. فاطمه‌ی زهرا "سلام الله علیها" این است. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) ۱۳۸۹/۰۳/۱۳

میدان، میدان امتحان است. میدان کار تصادفی نیست. میدان امتیاز دادن بیخودی نیست. خدای متعال بیخودی به کسی امتیاز نمی‌دهد. این جوهر، این اراده قوی، این عزم راسخ، این گذشت و فداکاری در فاطمه زهرا (س) کار را به آن جا می‌رساند که او سنگ الماسی می‌شود که همه این چرخها بر روی آن می‌چرخد. دشوارترین چرخها را باید بر روی سخت‌ترین پایه‌ها و قاعده‌ها بچرخانند. این چرخ عظیم تاریخ اسلام و امتحانهای دشوار، در همان دوران کوتاه، بر روی دوش فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود. خدا او را انتخاب کرد و او توانست بشریت را نجات دهد. فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)





## پیرامون تسبیحات حضرت زهرا

از امام صادق «علیه السلام» روایت است که وقتی انسان در جای خواب خود می‌خوابد، فرشته‌ی بزرگواری و شیطان سرکشی به سوی او می‌آیند، پس فرشته به او می‌گوید:

روز خود را به خیر ختم کن و شب را با خیر افتتاح کن، و شیطان می‌گوید: روز خود را با گناه ختم کن و شب را با گناه افتتاح کن. اگر اطاعت فرشته کرد و تسبیحات حضرت زهرا «علیها السلام» را در وقت خواب خواند، فرشته آن شیطان را می‌راند و از او دور می‌کند، و او را تا هنگام بیداری محافظت می‌کند.<sup>۳</sup>

۳- شیطان دشمن دیرینه‌ی انسان، محمد نصیری، ص ۱۳۶.

### برائت از دوزخ و نفاق

بنا بر روایت امام صادق «علیه السلام»، تسبیحات حضرت زهرا «علیها السلام» از جمله‌ی ذکر کثیری است که خداوند در قرآن کریم یاد فرموده است: هر کس ذکر خدای عزوجل را بسیار کند خداوند او را دوست دارد، و هر کس ذکر خدا را بسیار کند برای او دو برائت «منشور آزادی» نوشته شود: یکی برائت از آتش جهنم، و دیگری برائت از نفاق و دورویی. لذا تسبیحات صدیقه‌ی طاهره اگر با شرائطش انجام پذیرد، موجب برائت از دوزخ و نفاق می‌گردد.<sup>۴</sup>

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۹، ح ۳.

### نجات از شقاوت

تسبیحات حضرت زهرا «علیها السلام» از آثار و برکات بسیاری برخوردار است که از جمله‌ی آنها نجات یافتن از شقاوت و بدبختی است. هر انسانی به تناسب بینش و نگرشی که به جهان هستی و وجود پرآشوب خود دارد به دنبال خوشبختی است، و به عبارتی دیگر یکی از مهمترین مسائلی که همه‌ی انسانها را آگاه یا ناآگاه به خود مشغول داشته است به طوری که کارهای زندگی و برنامه‌هایشان را در جهت وصول به آن پی‌ریزی می‌کنند، مسئله‌ی رسیدن به سعادت و گریز از شقاوت است.

امام صادق «علیه السلام» در این رابطه می‌فرماید: ای ابا هارون! ما بچه‌های خود را همانطور که به نماز امر می‌کنیم به تسبیحات حضرت فاطمه «علیها السلام» نیز امر می‌کنیم. تو نیز بر آن مداومت کن، زیرا هرگز به شقاوت نیفتاده است بنده‌ای که بر آن مداومت نموده است.<sup>۱</sup>

و نیز از این حدیث شریف استفاده می‌شود که شایسته است والدین محترم، تسبیحات حضرت زهرا «علیها السلام» را مانند نماز به فرزندانشان تعلیم کنند، باشد که مشمول این حدیث گردند.

۱- فروع کافی، کتاب الصلاة، ص ۳۴۳، ح ۱۳.

### دوری شیطان و خشنودی خدا

امام باقر «علیه السلام» می‌فرماید: هر کس تسبیحات حضرت فاطمه «علیها السلام» را بجا آورد و پس از آن استغفار کند، مورد مغفرت قرار می‌گیرد، و آن تسبیح به زبان صد تا است، و در میزان «اعمال» هزار «ثواب» دارد، و شیطان را دور کرده، و خدای رحمان را خشنود و راضی می‌نماید.<sup>۲</sup>

۲- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۲۳، ح ۳.

## چند حدیث پیرامون حضرت

### آثار محبت به فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
هر کس فاطمه علیها السلام دخترم را دوست بدارد، در بهشت با من است، و هر کس با او دشمنی ورزد، در آتش [دوزخ] است.»  
بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.

### تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

امام باقر علیه السلام می فرمایند:  
خداوند در حمد و ستایش به چیزی برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام عبادت نشده است.»  
کافی، ج ۳، ص ۳۴۳.

### چرا نام فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
من نام دخترم را فاطمه علیها السلام گذاشتم؛ زیرا خدای - عزوجل - فاطمه علیها السلام و هر کس که او را دوست دارد، از آتش دوزخ دور نگه داشته است.»  
عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶.

### نفرین الهی برای دشمنان فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
مورد نفرین است، مورد نفرین است هر کس پس از من به فاطمه علیها السلام دخترم ستم کند و حقش را غصب نماید و او را بکشد.»  
بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۴.

### یاور خوب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پرسیدند، حضرت پاسخ دادند:  
[فاطمه علیها السلام] خوب یآوری در راه اطاعت و بندگی خداست.»  
بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.

### زیارت فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
هر کس فاطمه علیها السلام را زیارت کند، مانند این است که مرا زیارت کرده است.»  
بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۸.

### خشم و خشنودی فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
بی شک خداوند با خشم فاطمه علیها السلام به خشم می آید و با خشنودی او خشنود می شود.»  
الامالی، شیخ مفید، ص ۹۴.

### نماز مخصوص فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام می فرمایند:  
هر کس چهار رکعت نماز بخواند [هر دو رکعت به یک سلام] و در هر رکعت [پس از سوره حمد] پنجاه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، این نماز، نماز فاطمه علیها السلام است.»  
بیت الاحزان، ص ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۲.

### دشمن فاطمه علیها السلام در دوزخ است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
ای فاطمه! اگر تمام پیامبرانی که خدا برانگیخته و تمام فرشتگانی که مقرب درگاه خود گردانده است، برای هر کینه تویی که حق تو را غصب نموده است، شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش [دوزخ] خارج نمی سازد.»  
۱۴. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۴.

### بوی بهشت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
فاطمه علیها السلام حوریه ای است به صورت انسان که من هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم، دخترم فاطمه علیها السلام را می بویم.»  
بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۵۲؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۳۰.

### فاطمه علیها السلام شهیده است

امام کاظم علیه السلام می فرمایند:  
« فاطمه علیها السلام بانوی بسیار راست گویی است که او را به شهادت رسانده اند.»  
کافی، ج ۱، ص ۴۵۸.

### اختر تابناک

امام صادق علیه السلام می فرمایند:  
فاطمه علیها السلام اختری تابناک در میان زنان دنیاست.»  
کافی، ج ۱، ص ۱۹۵.

### شفاعت فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:  
ای فاطمه علیها السلام مژده باد! که در پیشگاه خدا مقامی شایسته داری که در آن مقام برای دوستان و شیعیانت شفاعت می کنی.»  
بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۹.

### سرور زنان

امام صادق علیه السلام می فرمایند:  
فاطمه علیها السلام سرور زنان جهانیان از اولین تا آخرین است.»  
معانی الاخبار، ص ۱۰۷.





## اقیانوس آلام

چادرش را به زحمت سر کرد و حجابش که کامل شد دست حسن و حسین را گرفت و با زن های فامیل راه افتاد رفت مسجد. گریه امانش را بریده بود و آمدنش امان مردم را. انگار پیغمبر بود که به غزوه آمده بود. طوری ناله راه انداخته بود که گرد و خاک از تمام مسجد بلند شد. بعد فرمود: «از پسرمویم دست بردارید. از شوهرم دست بردارید. وگرنه والله معجرم را برداشته، پیراهن پدرم را بر سرم می اندازم و ... نفرینتان می کنم.»  
علی سلمان را فرستاد که نگذارد نفرین کند. علی را که رها کردند، فاطمه هی شانه های علی را می بوسید و گریه می کرد و می گفت: «بمیرم برایت. بلاگردانت شوم. من در راحتی و سختی همیشه با توام.» بعد شوهرش را برداشت و برد خانه.

فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد، ۳۸۴ ۳۸۱-

همه که رفتند و خوابیدند، علی بدن آن بانو را غسل داد و کفن کرد. تا می خواست آخرین تکه ی کفن را هم بر او ببیچد دلش به حال بچه ها سوخت و فرمود: «بیباید با مادرتان خداحافظی کنید.» او حتی فضا را هم جزو بچه های فاطمه به حساب آورد. به او هم گفت که بیاید و وداع کند. حسن و حسین که به ناله افتادند بند کفن باز شد و دست های خانم از کفن بیرون آمد. حسن و حسین را محکم بغل کرد و به سینه چسبانید. صدایی از آسمان رسید که «یا ابالحسن! پسرانت را از روی سینه ی مادرشان بلند کن. گریه ی فرشته ها در آمده.» کفن را بست و شروع کرد به شعر تر خواندن: فراقک اعظم الاشیاء عندی...

الدمعه الساکبه، ص ۱۳۴

پیامبر که از مکه می خواست بزند بیرون، جان خود را در بستر گذاشت و رفت. سفارشات می هم به او کرد. علی قرار بود که فاطمه دختر پیامبر، فاطمه بنت اسد، فاطمه دختر حمزه و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب را با خود به مدینه ببرد. به ضحنان نرسیده، هفت هشت نفر جلوی علی را گرفتند. یکی از مشرکان را با شمشیر دو نیم کرد و یکی از آن ها که به فاطمه صدمه زده بود فرار کرد. علی او را سال هشتم هجرت پیدا کرد و کشت. پیامبر گفته بود: «حویرت را هر جا پیدا کردید بکشید؛ حتی اگر زیر پرده ی کعبه قایم شده باشد.»

اگر پیامبر زنده بود و دخترش را می کشتند، با قاتلش چه می کرد؟!  
سیره ی ائمه ی اثنی عشر، ج ۱، ص ۷۹-۸۱

داد و بیداد راه انداخته بود که «من آتش دارم و از هیچ کس هم نمی ترسم. اگر بیرون نیاید خانه را با شما آتش می زنم.» گفته بودند: «فاطمه هم در این خانه است.» گفته بود: «او را هم آتش خواهیم زد.» بعضی از کسانی که در خانه ی علی جمع بودند بیرون آمدند و بیعت کردند. فاطمه هم آمد پشت در. کاش نمی آمد پشت در، کاش خانه ها اصلاً در نداشت. البته نه. این طوری که بدتر می شد.

کاش درها را بدون میخ می ساختند. یا مثلاً جنس میخ جوری بود که در آتش سرخ نمی شد. خاکی است که بر سرمان شده. کاری اش نمی شود کرد. البته چرا! گریه می شود کرد.

الامامه والسیاسه، ص ۱۹

فصل في  
العلم الهزلي